

## تحول سیاست خارجی آلمان در عراق

یکی از راهبردهای سیاسی آلمان در کشورهای دیگر از جمله عراق تأثیرگذاری در قالب برنامه‌های آموزشی و گسترش هنجارها و ارزش‌های موردنظر توسط بنیادهای مطالعاتی و سیاسی بوده است. (هر ۵ حزب اصلی آلمان دارای بنیادهای مطالعاتی و سیاسی با بودجه قابل‌توجه هستند. این بنیادها در کنار بنیادهای غیرحزبی دیگر آلمان اهدافی را در سیاست خارجی این کشور دنبال می‌نمایند.) با توجه به این که عراق در مرحله گذار و دولت‌سازی قرار داشته است، این راهبرد در عراق با جدیت بیش‌تری دنبال شد.

بیانیه تأکید شد هر راه‌حلی باید متأثر از منشور سازمان ملل باشد و هنوز راه‌حل‌های جایگزین جنگ وجود دارد. آلمان خواهان اعطای وقت بیشتر به بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل و مخالف با تصویب قطعنامه سازمان ملل برای اعطای مجوز جنگ علیه عراق بود. علاوه بر مخالفت‌های رسمی دولت آلمان، افکار عمومی این کشور نیز با اقدام نظامی دولت جرج بوش مخالف بودند. به همین خاطر آلمان درخواست آمریکا برای اعزام نیرو یا تخصیص بودجه برای جنگ علیه عراق را رد کرد.

چنین واکنش‌هایی موجب شد دونالد رامسفلد، وزیر وقت دفاع آمریکا با اشاره به مخالفت برخی کشورهای اروپایی همچون آلمان و فرانسه در برابر حمایت گسترده برخی کشورهای شرق اروپا به ویژه لهستان، موضوع اروپای جدید در برابر اروپای قدیم را مطرح نماید. چنین دیدگاهی به این معنا بود که آمریکا کشوری مثل آلمان را در گروه اروپای قدیم گنجانده است و همکاری با این

از زمانی که موضوع تهاجم نظامی آمریکا به عراق مطرح شد، اختلاف آلمان و آمریکا در مورد عراق شکل گرفت. پیش از آغاز تهاجم در ماه مارس ۲۰۰۳، ادعای برخورداری عراق از تسلیحات تخریب جمعی به عنوان تهدیدی جدی و فوری برای امنیت آمریکا و متحدانش مورد حمایت دولت وقت آلمان به صدراعظمی آقای گرهارد شرودر قرار نگرفت. بر همین مبنا، استفاده از شیوه نظامی برای حل این معضل با مخالفت آلمان و برخی کشورهای دیگر مواجه شد.

در یکی از این تلاش‌های مخالفت‌جویانه در این زمینه روز ۱۰ فوریه ۲۰۰۳ آلمان، روسیه و فرانسه بیانیه مشترکی در مورد عراق صادر کردند. در این بیانیه این موضع مورد تأیید مجدد این سه کشور قرار گرفت که خلع سلاح عراق براساس قطعنامه‌های سازمان ملل هدف مشترک جامعه بین‌المللی است و باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن تا رسیدن به نتیجه‌گیری پی‌گیری شود. در این

کشور در درجه بعدی اهمیت قرار دارد. در نتیجه پس از سقوط صدام و شروع دوره دولت‌سازی و بهره‌گیری از امتیازات سیاسی و اقتصادی در عراق، آلمان با محدودیت‌هایی از سوی آمریکا برای ورود به این عرصه مواجه شد.

به‌رغم آن که در سال ۲۰۰۵ دولت جدید خانم آنگلا مرکل با گرایش‌های نزدیک‌تر به آمریکا جایگزین دولت قبلی آلمان شد، اما تلاش‌های خانم مرکل نیز نتوانست مشکل ایجاد شده در این عرصه را رفع نماید. از این رو انتظارات بر کنار رفتن جرج بوش به عنوان آغازگر جنگ عراق از صحنه سیاسی آمریکا متمرکز شد. با انتخاب باراک اوباما به عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا، مقامات آلمان امیدوارند در سایه سیاست تغییر این رییس‌جمهور به سهم بیش‌تری در عراق دست یابند. بر همین اساس آقای اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه آلمان قصد دارد در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۰۹ برای نخستین بار پس از سقوط صدام حسین به عراق سفر کند. نکته جالب این است که وزارت خارجه این کشور به صورت صریح اعلام کرده است که این سفر به منظور حمایت از سیاست تغییر باراک اوباما انجام می‌شود.

مروری بر روابط آلمان و عراق جدید (عراق بعد از سقوط صدام) و بررسی زمینه‌های همکاری این دو کشور می‌تواند چگونگی تحول سیاست‌های آلمان در عراق در دوره باراک اوباما را مشخص سازد.

### **تلاش آلمان برای ایفای نقش در دولت‌سازی عراق جدید**

آلمان روابط دیپلماتیک خود را با عراق جدید در اوت ۲۰۰۵ با تبادل سفیر با این کشور به صورت رسمی آغاز کرد. بعد از سقوط رژیم صدام، دیدارهای رسمی و یک‌طرفه مقامات عراقی از آلمان قابل توجه بوده‌اند.

مهم‌ترین دیدارهای رسمی انجام‌شده در این چارچوب عبارت بودند از سفر آقای غازی الیاور (رئیس‌جمهور وقت عراق) در سپتامبر ۲۰۰۴، سفر آقای ایاد علاوی (نخست‌وزیر وقت عراق) در دسامبر ۲۰۰۴، سفر آقای هوشیار زیباری (وزیر امور خارجه عراق) در فوریه ۲۰۰۷ و سفر آقای نوری المالکی (نخست‌وزیر عراق) در ژوئیه ۲۰۰۸.

یکی از راهبردهای سیاسی آلمان در کشورهای دیگر از جمله عراق تأثیرگذاری در قالب برنامه‌های آموزشی و گسترش هنجارها و ارزش‌های موردنظر توسط بنیادهای مطالعاتی و سیاسی بوده است. (هر ۵ حزب اصلی آلمان دارای بنیادهای مطالعاتی و سیاسی با بودجه قابل توجه هستند. این بنیادها در کنار بنیادهای غیرحزبی دیگر آلمان اهدافی را در سیاست خارجی این کشور دنبال می‌نمایند.) با توجه به این که عراق در مرحله گذار و دولت‌سازی قرار داشته است، این راهبرد در عراق با جدیت بیش‌تری دنبال شد.

تلاش‌های آلمان برای ایفای نقش در عراق جدید در ظرفیتی هر چند محدود دنبال شد. با توجه به مسأله چگونگی تقسیم قدرت بین کردها و اعراب، شیعیان و سنی‌ها در عراق، تجربه الگوی فدرالی حکومت آلمان برای برخی از سیاستمداران عراقی دارای جذابیت بوده است. ضمن این که در مقوله دولت‌سازی آلمان طی ۶۰ سال گذشته دو بار تجربه بازسازی دولت (پس از پایان جنگ جهانی دوم و پس از فروپاشی دیوار برلین) را پشت سر گذرانده است. با استفاده از چنین ظرفیتی به‌رغم همه محدودیت‌هایی که آلمان برای ایفای نقش در عراق با آن مواجه بود، برنامه‌ریزی‌هایی در این زمینه صورت گرفت. برخی از مهم‌ترین تلاش‌های آلمان در این عرصه را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

- اعطای کمک‌های بشردوستانه بلافاصله بعد از جنگ  
سال ۲۰۰۳

- ارائه کمک‌های بازسازی در دوره انتقال سیاسی و امنیت‌سازی برای شهروندان عراقی

- آموزش ناظران انتخاباتی عراق از جمله برگزاری سمینارهای آموزشی توسط بنیاد آلمانی فردریش ابرت در اردن برای نمایندگان سازمان‌های غیردولتی عراق در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۴

- ارائه مشاوره از سوی بنیادهای مطالعاتی و سیاسی آلمان در دوران تدوین قانون اساسی عراق، به عنوان مثال از طریق برگزاری سمینارهای آموزش روند قانون اساسی توسط بنیاد فردریش ابرت و بنیاد فردریش نومن برای نمایندگان سازمان‌های غیردولتی عراق و ارائه مشاوره به اعضای کمیسیون قانون اساسی آلمان توسط کارشناسان آلمانی

- مشارکت در تأمین مالی انتخابات مجمع ملی عراق در ژانویه ۲۰۰۵

- آموزش نیروهای پلیس عراق از طریق پروژه‌های آموزشی و کمک‌های تجهیزاتی. از جمله آموزش مأموران پلیس جنایی در دوره‌های برگزار شده در امارات متحده عربی با تمرکز بر حفظ مدارک و دیگر کارهای صحنه جنایت، آموزش نیروهای مسلح عراق در امارات متحده عربی و تأمین تجهیزات برای این نیروها، آموزش نیروهای اداری پلیس عراق در دانشکده ستاد و فرماندهی نیروهای مسلح آلمان

- تأمین واحدهای بیمارستانی نظامی مشتمل بر ۳۰ آمبولانس و آموزش افراد مورد نیاز در آلمان

- ارائه آموزش‌های حرفه‌ای توسط انجمن آلمانی همکاری‌های فنی (GTZ) در قاهره برای کارمندان وزارت‌خانه‌های عراق

- ارائه آموزش به دانشجویان و دانشگاهیان از طریق سرویس تبادلات آکادمیک آلمان (DAAD)

- ارائه آموزش به دیپلمات‌ها و نمایندگان دیگر وزارت‌خانه‌ها

- ارائه آموزش به روزنامه‌نگاران و خبرنگاران

این تلاش‌ها را می‌توان نقش‌آفرینی محدود آلمان در فضای موجود عراق و بعضاً زمینه‌سازی آلمان برای ایفای نقش در آینده دانست. باید دید در دوره باراک اوباما چنین سیاستی تا چه حد فضای بیش‌تری برای ایفای نقش می‌یابد.

### آلمان و مسأله مسیحیان عراق

مسیحیان یکی از گروه‌های هدف سیاست خارجی دولت آلمان هستند و سازمان‌های مرتبط در آلمان از جمله نهادهای کلیسایی می‌کوشند روابط با این گروه هدف را تقویت نمایند. نگرانی از وضعیت مسیحیان در عراق جدید با توجه به تهدیدهایی که علیه آن‌ها وجود دارد، بهانه‌ای برای توجه بیش‌تر آلمان به این گروه از جامعه عراق گردید. علاوه بر ارتباطاتی که نهادهای کلیسایی آلمان با مسیحیان عراقی دارند، وزارت کشور و وزارت امور خارجه نیز در این زمینه وظایفی را بر عهده دارند.

به علاوه بحث پذیرش آوارگان عراقی با تمرکز بر پذیرش آوارگان مسیحی از موضوعات مورد توجه رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری آلمان است. وزارت کشور، نهادهای کلیسایی و احزاب آلمانی در پارلمان فدرال به موضوع پذیرش مهاجران مسیحی عراق توجه دارند و این دغدغه را در سطح نهادهای اتحادیه اروپا نیز دنبال می‌کنند. چنین نگرشی موجب شده است طی سال‌های اخیر اعطای پناهندگی به مردم عراق رتبه نخست را در میان متقاضیان پناهندگی در آلمان داشته باشد. در سال

۲۰۰۶، آلمان ۲۸۵۸ پناهجوی عراقی را پذیرفت و در سال ۲۰۰۷ این آمار تا ۴۳۲۷ نفر افزایش یافت.

آلمان امیدوار است این گروه هدف بتوانند در آینده عراق نقش بیش‌تری ایفا کنند و البته در تأمین منافع مورد نظر آلمان در این کشور سهیم باشند.

### روابط اقتصادی آلمان و عراق جدید

آلمان در مناسبات خارجی خود همواره در عرصه اقتصادی موفق‌تر عمل می‌کند. روابط اقتصادی عراق و آلمان دیرینه و معمولاً خوب بوده است. به خصوص در دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن گذشته، آلمان یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری عراق بود. در عراق جدید نیز آلمان فرصت‌های اقتصادی را دنبال نموده است. با این وجود، صادرات سال ۲۰۰۷ آلمان به این کشور تنها ۳۲۰ میلیون یورو بوده است. چنین رقمی در صادرات آلمان سهم بسیار کوچکی به شمار می‌رود.

البته به منظور گسترش این همکاری طی سال‌های اخیر تلاش‌های متعددی صورت گرفته است. از جمله در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ به منظور شناسایی فرصت‌های اقتصادی در عراق، سمینارهای اقتصادی با مشارکت سرمایه‌گذاران و وزارت‌خانه‌های عراقی و آلمانی برگزار شد. در اوایل ژوئیه ۲۰۰۸ وزیر اقتصاد آلمان، آقای میشل گلوس به عنوان نخستین وزیر آلمانی در دوره پس از اشغال عراق به این کشور سفر کرد. یک هیأت بلندپایه اقتصادی وی را در این سفر همراهی کردند و موافقت‌نامه‌ها و یادداشت تفاهم‌های اقتصادی از جمله موافقت‌نامه ارتقا و حمایت از سرمایه‌گذاری متقابل بین آلمان و عراق امضا شد. وزیر اقتصاد آلمان در طی این سفر، با وزیر صنایع، نخست وزیر، معاون نخست وزیر و وزیر نفت عراق دیدار و گفت‌وگو کرد. دو هفته پیش از این سفر نیز نشست کمیسیون اقتصادی آلمان و عراق در

برلین برگزار شده بود. موضوع همکاری‌های اقتصادی در دیگر ملاقات‌های مقامات آلمانی و عراقی از جمله در سفر مقامات عراقی به آلمان نیز بارها مطرح شده است.

با این حال، روابط اقتصادی آلمان و عراق به اوضاع ضعیف امنیتی عراق پیوند خورده است. وزارت امور خارجه آلمان همواره نسبت به اوضاع نامساعد امنیتی در عراق هشدار داده و احتیاط را به شهروندان و شرکت‌های آلمانی توصیه کرده است. وزارت امور خارجه آلمان از مشارکت شرکت‌های این کشور در قراردادهای واسطه‌ای در کشورهای ثالث حمایت می‌کند. توصیه اتاق صنایع و بازرگانی آلمان نیز این است که شرکت‌های آلمانی تنها زمانی در عراق فعالیت کنند که تجربه کار در کشورهای عربی و از آن مهم‌تر در اوضاع بی‌ثبات امنیتی را داشته باشند. از این رو، اکثر شرکت‌های آلمانی فعالیت در عراق را نه با حضور مستقیم در این کشور، بلکه از طریق نمایندگی‌های خود در دیگر کشورها از جمله اردن دنبال می‌کنند.

با این حال آلمان می‌داند که فرصت‌های اقتصادی در عراق بسیار خیره‌کننده هستند و در صورت بهبود شرایط امنیتی در این کشور و اجازه ایفای نقش بیش‌تر از سوی آمریکا، بر فعالیت‌های خود در این عرصه خواهند افزود. تخریب و عقب‌ماندگی ساختارهای زیربنایی عراق در نتیجه جنگ‌های دو دهه اخیر فعالیت‌های بازسازی بزرگی را در این کشور ایجاد می‌نماید. شرکت‌های آلمانی انتظار دارند در این فعالیت‌ها و قراردادهای مربوط به آن‌ها سهم قابل‌اعتنایی داشته باشند.

همان‌گونه که فوضی الحریری، وزیر صنایع عراق اذعان نموده است، شرکت‌های آلمانی نزد عراقی‌ها از وجهه و اعتبار بالایی برخوردارند و از این رو از امتیازاتی

برای همکاری‌های اقتصادی و زیربنایی در زمینه‌های تولید ماشین‌آلات، شیمی، انرژی و کشاورزی مدرن برخوردارند. کیفیت محصولات آلمانی نیز معمولاً کمکی برای این کشور در بردن گوی سبقت از رقیبان اقتصادی است. ضمن این که عدم حضور نظامی آلمان در عراق و در نتیجه نداشتن سابقه بد در نزد افکار عمومی عراق می‌تواند کمک بزرگی برای آلمان برای ایفای نقش در این کشور باشد.

نگاه آلمان به منابع انرژی عراق نیز حایز اهمیت است. با توجه به تلاش عراق برای عقد قرارداد جهت استخراج و بهره‌برداری از منابع نفتی، شرکت‌های آلمانی انتظار دارند سهمی از این قراردادها را به خود اختصاص دهند. اگر چه آلمان نتوانسته است در این زمینه موفقیتی به دست آورد، اما نگاه آتی آلمان به بهره‌گیری از منابع نفتی عراق به عنوان گزینه‌ای برای تأمین انرژی موردنیاز است. از جمله کنسرن انرژی و پترشال آلمان که حق شرکت در مناقصه‌های دولتی در عراق را دارا است، به دنبال کسب فرصتی برای کسب امتیازات اقتصادی در این کشور است. این امتیاز برای آلمان به حدی حایز اهمیت است که آنگلا مرکل صدراعظم آلمان پس از دیدار با المالکی در ژوئیه ۲۰۰۸ گفت: ما می‌توانیم راه‌حلی پیشنهاد کنیم که بر اساس آن، آلمان در استفاده از منابع زیرزمینی عراق سهیم باشد و در مقابل عراق از فناوری آلمان و آموزش‌های لازم برای بهره‌برداری از این فناوری برخوردار شود.

سرمایه‌گذاری آلمان در عراق از دیگر زمینه‌های همکاری دوجانبه است که امکان بهبود را جستجو می‌نماید. آقای نوری المالکی در سفر ژوئیه ۲۰۰۸ از دولت و شرکت‌های آلمان خواست در عراق در زمینه‌هایی چون

تولید سیمان، ساخت راه‌آهن، و انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کنند. آقای المالکی به شرکت‌های آلمانی توصیه کرد برای تضمین ارتباط بهتر خود با عراق از عراقی‌های مقیم در آلمان مشورت بگیرند. (بر اساس آمار سال ۲۰۰۸، حدود ۸۴ هزار عراقی در آلمان زندگی می‌کنند.) نوری المالکی طی این سفر در دیدار با ۱۲۰ تن از نمایندگان شرکت‌های اقتصادی آلمان تلاش کرد نظر مساعد آن‌ها را برای فعالیت در عراق جلب کند. بر اساس توافقی که در این سفر به دست آمد، قراردادی به منظور فراهم آوردن امکان سرمایه‌گذاری‌های مشترک، با ثبات، درازمدت و قابل‌اتکا میان عراق و آلمان به امضا رسید. این قرارداد، تلاشی برای تضمین امنیت سرمایه‌گذاری آلمان در عراق بود.

باید دید تغییر سیاست‌های باراک اوباما در عراق، بهبود روابط آلمان و آمریکا و شرایط امنیتی عراق تا چه حد می‌تواند خواسته‌های اقتصادی آلمان در این کشور را به تحقق نزدیک سازد.

#### **نگاه آلمان به مناطق کردنشین عراق**

کردستان عراق، برخلاف دیگر مناطق این کشور از امنیتی نسبی برخوردار است و بازرگانان و مسؤولان خارجی می‌توانند با آزادی بیشتری به فعالیت بپردازند. این امنیت و آزادی عمل نسبی باعث رونق اقتصادی در مناطق کردنشین شده و توجه و سرمایه‌گذاری روزافزون شرکت‌های خارجی را به دنبال داشته است. وزارت خارجه آلمان اگرچه به شهروندان آلمانی هشدار داده است که از سفر به عراق حتی‌الامکان خودداری ورزند، اما این هشدارها چندان شامل مناطق کردنشین عراق نمی‌شود و فعالیت‌های اقتصادی آلمان در این منطقه تمرکز بیشتری دارد. کردهای عراقی مقیم آلمان نیز می‌توانند در تمرکز بیشتر فعالیت‌های آلمان در این منطقه نقش ایفا نمایند.

دارد. این گام‌ها، بخشی از تلاش‌های آلمان برای تقویت همکاری‌ها و مناسبات این کشور با دولت محلی حاکم در مناطق کردنشین عراق است. مشخص نیست سیاست‌های دولت جدید آمریکا تا چه حد می‌توانند بر این تلاش‌ها اثرگذار باشند.

**حمید زنگنه**

**نماینده‌گی جمهوری اسلامی ایران - برلین**

دولت آلمان با برآورد شرایط بهتر امنیتی در مناطق کردنشین عراق و با هدف ارتباط با اقلیت‌های کرد و مسیحی در شمال عراق، تصمیم‌هایی را برای گشایش دفاتر نهادهای خود در این منطقه آغاز کرده است. قرار است کنسولگری آلمان در شهر اربیل افتتاح شود. راه‌اندازی شعبه مؤسسه گوته در اربیل نیز در دستور کار وزارت امور خارجه آلمان قرار دارد. این مؤسسه کارکرد گسترش زبان و فرهنگ آلمانی در خارج کشور را بر عهده